

دکتر یونس فرهمند  
استاد یار گروه تاریخ  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران  
farahmand@tpf-iau.ir

### جَنی زَهْرَةُ الْآسِ فِي بِنَاءِ مَدِينَةِ فَاس<sup>1</sup>: پژوهشی در تاریخنگاری محلی مغرب اسلامی

چکیده :

ابوالحسن علی جزنائی، از مشاهیر مورخ مغربی دربار مرینیان است که با نگارش کتاب جَنی زَهْرَةُ الْآسِ فِي بِنَاءِ مَدِينَةِ فَاس یکی از مهمترین نوشته های تاریخ محلی فاس را پدید آورد. این پژوهش به بررسی و تحلیل مطالب، شیوه تدوین، اسلوب نگارش و منابع مورد استفاده جزنائی در این کتاب پرداخته و سرانجام این اثر را با دیگر تاریخ محلی فاس به نام الانیسُ الْمُطْرِبُ بَرُوضِ الْقُرطَاسِ فِي اِخْبَارِ مَلُوكِ الْمَغْرِبِ و تاریخ مدینه فاس مقایسه می کند. نتیجه حاصل از این تطبیق آن است که به رغم اشمال کتاب بر مطالبی منحصر به فرد از اوضاع فرهنگی و تمدنی فاس در دوره موحدان و مرینیان، باید آن را از جمله نوشته های تاریخ محلی فاس دانست که به شیوه موضوعی و با اسلوبی روان و با انگیزه تقدیم به ممدوح خود، وزیربابانی، به نگارش درآمده است. و از این رو اهمیتی بایسته دارد که نویسندگان بسیاری از منابع تاریخ فاس را که امروزه در دسترس نیست، در اختیار داشته است.

کلید واژه :

جزنائی، جَنی زَهْرَةُ الْآسِ، تاریخنگاری محلی، مغرب اسلامی، مرینیان، شمال آفریقا.

مقدمه

دورهٔ طلایی حکومت مرینیان (حک: 633-963 ق) به ویژه در مقایسه با دولت‌های متقارن و همجوار آنان چون حفصیان (حک: 627-982 ق) و زیانیان (حک: 633-962 ق) را می‌توان اوج رواج فرهنگ عربی اسلامی در مغرب دانست که تاریخ و تاریخ‌نگاری همواره در آن نقشی برجسته داشت. و فاس پایتخت مرینیان برای نخستین بار آن همه شکوه و عظمت به خود دید<sup>2</sup> و توانست به مثابه موضوعی مهم، توجه دانشمندان بسیاری را به خود جلب کند. ابوالحسن علی جزنائی از جمله دانشورانی بود که به شهر فاس و به ویژه پیدایش آن اهمیت بسیار داد و با تألیف کتاب جنی زهره الآس فی بناء مدینه فاس در نیمهٔ دوم قرن هشتم اثری درخور در تاریخ این شهر پدید آورد. چنانکه پیش از او در نیمهٔ اول این قرن، ابن ابی زرع بدین موضوع اهتمام ورزیده بود.

دانش خاورشناسی نخستین بار از طریق آلفرد بل به یکی از معدود نسخه‌های خطی کتاب که در کتابخانه شخصی محمد العبادی بود، دست یافت.<sup>3</sup> بل دو تن از دوستان خود در دانشگاه قرویین را مأمور استنساخ کتاب کرد و در سال 1922 م متن بسیار ناقص و مغلوط خود را که سرشار از تصحیف، تحریف و تحذیف بود<sup>4</sup> در 86 صفحه در چاپخانه کاربونیل الجزایر منتشر کرد و یک سال بعد به ترجمهٔ فرانسه کتاب مبادرت ورزید.<sup>5</sup>

متأسفانه از زندگی جزنائی نیز همچون سلفش ابن ابی زرع اطلاعات چندانی نداریم؛ اما برخلاف شخص اخیر که در انتساب کتاب به او تردیدها فراوان بود، در تعلق این کتاب به جزنائی هیچ تردیدی نیست. بررسی دقیق مطالب کتاب در دستیابی به تصویری اجمالی، اما روشن از حیات او برای محققان امروزی راهگشا تواند بود.

جزنائی چنان که از نام او پیداست، به قبیلهٔ کزنایهٔ زناته ساکن در ریف نسب می‌برد.<sup>6</sup> از زمان انتقال او با خاندانش به فاس اطلاعی در دست نیست؛ اما به درستی می‌دانیم که جزنائی‌ها از دیرباز در امور سیاسی و حکومتی مغرب به ویژه فاس شهره بوده‌اند. ابن عذاری در سال 459 ق از ورود ابراهیم بن ملیح جزنائی در فاس و وفات یوسف جزنائی والی مکناسه در 413 ق خبر داده است.<sup>7</sup>

از مقدمه کتاب چنین برمی آید که مؤلف به امور حکومتی اشتغال داشته و یا دست کم با آن آشنا بوده است.<sup>8</sup> عبدالوهاب بن منصور، پژوهشگر مغربی، وی را از عدول فاس دانسته که یا در مساجد به امور دینی اشتغال داشته و یا بر اوقاف نظارت می کرده است.<sup>9</sup>

معرفی و نقد و بررسی کتاب جَنی زَهْرَه ... .  
مقدمه کتاب طبق معمول با حمد خدا و درود بر پیامبر و یارانش آغاز شده و سپس برای استمرار وزارت ابومحمد عمر بن عبدالله یابانی<sup>10</sup> به دعا پرداخته است. شناخت وزیر یابانی و اوضاعی که مؤلف در آن دست به نگارش کتاب زده است، به شناخت بیشتر مؤلف و ارزیابی اثرش کمک خواهد کرد.

اوضاع مغرب پس از درگذشت ابوالحسن و ابوحنان مرینی یکباره در هم آشفت و وزرا با هدف دستیابی به قدرت با یکدیگر به رقابت برخاستند؛ یابانی از جمله این وزرا بود که پس از منازعاتی توانست در سال 761 ق در پناه امرای خردسال مرینی بر اریکه سلطنت این خاندان تکیه زند.<sup>11</sup> کشمکش وزرا، استبداد مطلقه و نارضایی عمومی از ویژگی های عمده این دوره بود که وزیر یابانی از همه بیشتر در دامن زدن به آنها نقش داشت و از این رو پس از شش سال وزارت مطلقه، در 767 ق به دستور عبدالعزیز مرینی کشته شد.<sup>12</sup> با این وصف، شگفتی ندارد که مؤلف از بیم جان و نان، هدف از نگارش کتاب را خدمت به وزیر یابانی<sup>13</sup> و تهیه ابزاری مفید برای دستیابی طلاب به این گونه مطالب دانسته باشد.<sup>14</sup> مقدمه کتاب که سرشار از مدح و تمجید ادیبانه و غلوآمیز مؤلف از وزیر مستبد است<sup>15</sup>، موجب وهن تواریخ محلی این دوره می تواند باشد و برخلاف نظر شاتز میلر که بر پایه نسخه ناقص و فاقد مقدمه بل، جزئیاتی را از معدود مورخان دانسته که با دربار پیوستگی نداشته و ممدوحش را نستوده<sup>16</sup>، معتقدیم که وی را باید از سرآمدان تاریخ نگاران محلی مرعوب قدرت سیاسی روز بدانیم. خوشبختانه ستایش های غلوآمیز مؤلف از وزیر در جای جای کتاب بر محتوای آن تأثیری ننهاده است؛ زیرا موضوع کتاب و بیان مفاخر ممدوح او باهم منطبق نیست.

ابواب کتاب که از نظر حجم تقریباً باهم برابرند عبارتند از :

1. ذکر آنچه ادریسیان حسنی ساخته‌اند و روایاتی که از پیشوایان گذشته در باب

آنها و ساکنان فاس به ما رسیده است.<sup>17</sup>

2. کسانی که باروهای شهر را ساخته و آن را تکمیل کرده و نیز جامع قرویین و

اندلسیین، خانه‌ها، آسیاب‌ها و حمام‌های منتهی بدان.<sup>18</sup>

جزنائی در باب اول به اختصار از فضائل فاس، جغرافیا، ورود بربران به مغرب و

فتوحات اسلامی در آن سرزمین یاد کرده<sup>19</sup> و سپس به اصل موضوع یعنی ادریسیان و

بنای فاس پرداخته و در این زمینه آشکارا به خطط نگاری نزدیک شده است.<sup>20</sup> این مطالب

برای پژوهشگران جغرافیای تاریخی فاس بسیار سودمند خواهد بود. مؤلف ادریسیان و

علویان را ستایش می‌کند<sup>21</sup> و در اثبات انتساب مرینیان به علویان سخت می‌کوشد.<sup>22</sup>

وصف مبالغه‌آمیز امرای مرینی اگرچه با موضوع مورد بحث مستقیماً ارتباط ندارد؛ اما

مؤلف مکرر در جای‌جای کتاب به آن پرداخته<sup>23</sup> و سرانجام این که باب نخست را با

سخن از کشاورزی، صنایع و معادن، آب و هوا و رودهای شهر فاس به پایان برده است.<sup>24</sup>

باب دوم با درگیری‌های مغراوه و تأثیرات آنها بر شهرسازی فاس آغاز شده و در

ادامه وصف پل‌ها<sup>25</sup> و دروازه‌های شهر آمده است.<sup>26</sup>

ملاحظات مؤلف در توصیف دقیق جامع قرویین و اندلسیین، مصالح ساختمان،

جلوه‌های هنری و قندیل‌های آن<sup>27</sup>، وضوخانه<sup>28</sup> و کتیبه‌ها موجب شگفتی است. او

قسمت‌های مختلف جامع قرویین را جزء به جزء تشریح کرده و سپس به خطیبان و امامان

مساجد اشاره می‌کند. این بخش از کتاب، مطالب بسیار مهم اما پراکنده‌ای در تاریخ

فرهنگی دارد که می‌توان با استفاده از آن بر نقش آموزشی مساجد<sup>29</sup> در مغرب و استمرار

آن تا قرن هشتم هجری پرتوی روشن افکند.

از نوشته‌های مؤلف می‌توان دانست که وی از جمله دانشوران عادی روزگار خویش

بوده و با شعرا و ادبای آن عصر مصاحبت داشته و گاه خود نیز شعر می‌سروده است.<sup>30</sup>

این معنا، یعنی مصاحبت با ادبای زمان خود، از آنجا فهمیده می‌شود که از اسماعیل بن

احمد<sup>31</sup>، ابن اجروم و محمدالماجری<sup>32</sup> و بسیاری دیگر از شعرای عصر خود با عنوان «صاحبنا» یاد می‌کند؛ در فقه نیز می‌توان برای او جایگاهی قائل شد. وی گذشته از مصاحبت با فقها<sup>33</sup>، در باب آراء آنها به داوری می‌نشیند و آنها را نقد می‌کند<sup>34</sup>؛ با این همه نه در فقه و نه در ادب مقامی شامخ نداشته است و شاید از همین روست که خود را «اهل تألیف و تصنیف» ندانسته و اضافه کرده که تنها ناقل گفته‌های دیگران است.<sup>35</sup>

نشانه‌های شتابزدگی و کوشش در اتمام زودهنگام در باب دوم کتاب مشهود است و برخلاف جامع القرویین که به تفصیل به آن پرداخته شده<sup>36</sup>، جامع الاندلسیین را بسیار مختصر به پایان آورده است<sup>37</sup>؛ چنانکه پیش از این اشاره شد، احتمالاً قتل نابهنگام ممدوح نویسنده، وزیر یابانی، و روی کار آمدن مخالفان وی از دلایل اتمام زودهنگام کتاب بوده باشد؛ این احتمال زمانی قوت می‌گیرد که آخرین تاریخ ذکر شده در کتاب، یعنی سال 766 ق<sup>38</sup>، با سال قتل یابانی (حدود 767 ق) تقریباً موافق است. با پذیرش احتمال فوق می‌توان بی‌توجهی جزنائی به بسیاری از آثار و ابنیه مهم مرینیان چون مدارس عطارین، رخام، متوکلیه عنانیه و صهریج را که مایه شگفتی مصحح متن عربی کتاب شده، دریافت و آن را موجه دانست.<sup>39</sup>

#### شیوه تدوین کتاب

جزنائی در کتاب خود بر پایه موضوع فاس، روایات مربوط به تأسیس و تطور این شهر و جوامع آن را به همراه پاره‌ای استطرادات که از فایده تاریخی خالی نیست، درآمیخته است؛ کتاب هرچند سالشمار نیست اما به ترتیب و تسلسل وقوع حوادث اهمیت بسیار می‌دهد و غالباً به ذکر دقیق روز و ماه و سال عنایت دارد.<sup>40</sup>

جَنی زهره الآس، چنانکه پس از این خواهد آمد، اثری است نقلی که داوری در باب روایات اغلب در آن جایگاهی ندارد و هم از این جهت است که جزنائی در برخی موارد به افسانه سرایی و اسطوره‌پردازی روی آورده است.<sup>41</sup>

جَنی زهره‌الآس در درجه نخست تاریخ محلی فاس است؛ اما علاقه وافر مؤلف به ادب موجب گردیده تا در ضمن آن به ابیات بسیار و پاره‌ای از امثال و حکم مشهور آن دوره استشهاد کند. اهمیت این موضوع در آن است که بسیاری از متون ادبی و شعری مربوط به معاصران او تنها از این رهگذر توانسته مجال بقا یابد؛ محمدبن عبدالرحمن ابوزید عبدالرحمن ملیلی، ابوالعباس احمد دباغ، ابوالعلاء ادريس بن رشيد، عبیدالرحمن الزیتونی و ... شعرا و ادیبانی هستند که پاره‌ای از اشعار آنان به وسیله جزئیاتی صورت بقا یافته است<sup>42</sup>؛ اما مطالب کتاب و نیز دیگر منابع ادبی تاریخ عصر مرینی برای شناسایی و بررسی احوال این شعرا، چندان راهگشا نیست<sup>43</sup> و مؤلف در این باب جز نام آنان و نقل برخی از اشعارشان، اطلاع دیگری به دست نمی‌دهد.

چنانکه اشاره شد مؤلف از ادبای روزگار خویش بوده است و این معنا نه فقط از آن رو پیداست که وی برخی از مشاهیر شعرای دربار مرینی را در ردیف دوستان و نزدیکان خود معرفی کرده<sup>44</sup>، بلکه به تناسب در دو جای کتاب به ذکر اشعار خود می‌پردازد<sup>45</sup>؛ اما این اشعار بیش از آن که بر مقام و منزلت ادبی او مهر تأیید زند، به گفته ابن تاوایت از به تکلف افتادن شاعر در به نظم آوردن آنها حکایت دارد.<sup>46</sup>

نثر او کمی پیراسته‌تر از معاصرانش است و تا حدودی خود را از قید صنایع لفظی و ادبی متکلفانه این عصر رهانیده<sup>47</sup>، با این حال در ادب به او جایگاهی میانه داده‌اند.<sup>48</sup>

## منابع

جزنائی مردی روایتگر است و جز پاره‌ای از اطلاعات که حاصل مشاهدات اوست، باقی کتاب روایات و منقولاتی است که او از پیشینیان اخذ کرده است. از مطالعه کتاب می‌توان دانست که عرصه استفاده او از منابع در مقایسه با ابن ابی زرع بسیار گسترده‌تر است و برخلاف وی، جزنائی به دقت از منابع خود نام می‌برد. اگر از شماری منابع غیرمرتبط با تاریخ محلی فاس که در گفتگو از جغرافیای مغرب، فتوحات و ضرب‌المثل‌ها از آنها بهره گرفته، درگذریم<sup>49</sup>، هنر وی در بهره‌گیری از منابع مهم تاریخ فاس ستودنی است؛ او اشتباهات ابن ابی‌زرع را در باب قیام فح و چگونگی ورود ادریسیان به مغرب را با اتکاء به تاریخ طبری رفع کرده<sup>50</sup> و ظاهراً به مهمترین نوشته‌های مربوط به تاریخ محلی مغرب خاصه فاس مراجعه کرده است.

بیشترین استفاده جزنائی در باب نخست از المسالک و الممالک<sup>51</sup> بکری و المقتبس فی اخبارالمغرب و فاس و الاندلس برُنسی است<sup>52</sup>؛ بدیهی است اهمیت روایات بکری و برنسی به یک اندازه نیست. زیرا در حالی که امروزه قسمت‌هایی از المسالک الممالک بکری در اختیار داریم<sup>53</sup>، از المقتبس برنسی که فاس در آن موضوعیت داشته، اطلاعی در دست نیست. و به جهت حفظ قطعاتی از کتاب برنسی اهمیت دارد. الاستبصار<sup>54</sup>، تاریخ ابن غالب<sup>55</sup> و کتاب المدارک قاضی عیاض<sup>56</sup> از دیگر منابع مؤلف در این باب است.

در باب دوم باید به الانیس‌المطرب ابن ابی‌زرع که بیشترین بسامد مراجعه جزنائی را در تألیف کتاب به خود اختصاص داده<sup>57</sup> و المقیاس فی اخبار المغرب و فاس از ورآق<sup>58</sup> و تاریخ فاس ابوالقاسم بن جنون اشاره کرد که کتاب اخیر تنها یک بار مورد استفاده جزنائی قرار گرفته است.<sup>59</sup>

تردید نباید کرد که اگر اطلاعات برگرفته از آثار مفقود پیشینیان در کتاب جزنائی این مایه اهمیت داشته باشد، استطرادات تاریخی و گزارش‌های مستقیم او از دوره‌ای که شخصاً می‌شناخته و با آنها در ارتباط بوده، اهمیت بیشتری دارد، از آن جمله است وصف

مطالب برخی سنگ‌نوشته‌ها<sup>60</sup> و اقدامات فرهنگی - عمرانی امرای مرینی<sup>61</sup> و نیز احصای دقیق مراکز تجاری، مهمان‌پذیرها، مساجد، دارالسنکّه فاس در اواخر دوره موحدی که از مُشرف شهر نقل می‌کند.<sup>62</sup>

#### نتیجه گیری

اکنون به مددشناختی که از حیات جزنائی و اثر وی یافتیم، می‌توان برای تبیین بهتر جایگاه او در تاریخ‌نگاری مغرب آن را با روض القرطاس ابن ابی زرع مقایسه کرد. تشابه ظاهری و موضوعی دو کتاب چنین می‌نماید که جزنائی، اثر سلف خود ابن ابی‌زرع را تلخیص کرده باشد. نخستین بار آلفرد بل، در مقدمه‌ای که بر ترجمه فرانسه کتاب نگاشت، به سرقت‌های ادبی گسترده مؤلف جنی زهره‌الآس اشاره کرد.<sup>63</sup> ملاحظات پیشین در این تحقیق نیز صحت این گفته را تأیید می‌کند. به نظر می‌رسد روض القرطاس علاوه بر آن که مهم‌ترین منبع جزنائی در تألیف کتاب بوده، گاه نیز فقراتی از آن را عیناً بدون ذکر منبع در کتاب خود آورده است. این در حالی است که برخلاف مؤلف روض القرطاس که در معرفی مآخذ خود تلاش چندانی نمی‌کند، جزنائی بر ذکر منابع مکتوب، مشاهدات و حتی راویان خود تأکید دارد.<sup>64</sup>

از این رو گذشته از اتقان روایات وی در مقایسه با ابن ابی‌زرع، در بازسازی تکامل تاریخ‌نگاری مغرب نیز راهگشا تواند بود. از سوی دیگر چنانکه پیش از این گفتیم، گستره اطلاعات و منابعی که جزنائی در اختیار داشته کمی بیشتر از ابن ابی زرع بوده است. به نظر می‌رسد جزنائی از منابع جغرافیایی، فقهی و تواریخ عمومی شرق جهان اسلام چون طبری و همه تک‌نگاری‌های فاس توانسته است به خوبی بهره گیرد، ولی ابن ابی‌زرع تنها به منابع مغربی و برخی نوشته‌های تاریخی فاس دسترسی داشته است. جزنائی موضوع خود را تنها به شکل‌گیری شهر فاس، ابنیه و توصیف جامع قرویین و اندلسیین پرداخته و ظاهراً به خاطر قتل نابهنگام ممدوح خود کتاب را در حجمی اندک و ناقص به پایان برده، اما ابن



ابی زرع ضمن سخن از تاریخ فاس، همه حوادث سیاسی - اجتماعی و فرهنگی مغرب  
اقصی را نیز باز گفته است.

## یادداشت‌ها

- 1- معنای لغوی عنوان کتاب چنین است: چیدن گلِ مورد درباب چگونگی ساختن شهر فاس.
- 2- زیاده، افریقیات، 111-113.
- 3- حجی، 77.
- 4- برای اطلاع بیشتر از نواقص نسخه بل نک : همو، 79/1 و پس از آن.
- 5- همو، 77.
- 6- ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر، 2696/2.
- 7- 255/1
- 8- همو، 2؛ و نیز برای اطلاعات او از وقف، 75.
- 9- مقدمه مصحح، د.
- 10- منسوب به بنی یابان بن کرماط بن مرین از قبایل بنومرین.
- 11- مونس، تاریخ‌المغرب و حضارته، 55/3.
- 12- همو، 57-56/3.
- 13- جزنائی، 1.
- 14- همو، 3.
- 15- همو، 2-1.
- 16- Schatzmiller, L'Historiographie Mérinide, 26.
- 17- همو، 40-4.
- 18- همو، 98-41.
- 19- همو، 8-4.
- 20- نک : همو، 24.
- 21- همو، 31.
- 22- همو، 30.
- 23- نک : همو، 29، 42، 43، 45، 52، 53 و جم.

- 24- همو، 35-37.
- 25- همو، 40-42.
- 26- همو، 43.
- 27- همو، 46-47.
- 28- همو، 69.
- 29- همو، 76؛ نیز برای تحلیل مطالب کتاب درباره کتابخانه قرویین نک : زیاده، 112.
- 30- همو، 50، 98.
- 31- همو، 49.
- 32- همو، 48.
- 33- همو، 49.
- 334- به عنوان نمونه نک : همو، 66.
- 35- همو، 98.
- 36- همو، 45-92.
- 37- همو، 92-96.
- 38- همو، 65.
- 39- همو، مقدمه مصحح، ز.
- 40- نک : همو، 56، 58، 62، 77 و جم.
- 41- به عنوان نمونه نک : نقش طلسمات در جلوگیری از ورود حیوانات موذی به مسجد  
54، 55؛ یا نظر او در باب جسد ادریس، ص 15.
- 42- همو، 48-50.
- 43- ابن تاویت، 562.
- 44- جزنائی، 48-49.
- 45- همو، 50-98.
- 46- ابن تاویت، 561؛ برای اطلاع از اشعار نک : جزنائی، 50، 98.

- 47- همو، 559.
- 48- همو، 560؛ برای بررسی جایگاه ادبی کتاب و مؤلف نک : ابن تاوایت، 559-564.
- 49- به عنوان نمونه نک : جزنائی، شرح مؤطأ مالک از قابسی، 7؛ ابن جلجل، 5؛ المقصد الاسنی غزالی، 53؛ الکامل میرد، 54.
- 50- همو، 10.
- 51- همو، 9، 15، 19، 28، 38، 92.
- 52- همو، 5، 13، 46.
- 53- کراچکوفسکی، 289.
- 54- جزنائی، 24، 38.
- 55- همو، 23، 27.
- 56- همو، 22.
- 57- همو، 24، 27، 45، 65-68، 80.
- 58- همو، 40، 42، 65، 66.
- 59- همو، 45.
- 60- همو، 55، 56، 65، 66.
- 61- همو، 42، 43، 45، 52، 53 و جم.
- 62- همو، 44.
- 63- ترجمه فرانسه کتاب، ص 11 به نقل از : Schatzmiller, L'Historiographie Méridienne, 28-29.
- 64- قس : ابن ابی زرع، 89 با جزنائی، 57.

## منابع و مآخذ

- ابن ابى زرع، على، الأئیس المطرب بروض القرطاس فى اخبار ملوك المغرب و تاریخ مدينة فاس، به كوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط، المطبعة الملكية، 1999.
- ابن تاويت، محمد، الوافى بالأدب العربى فى المغرب الأقصى، بی جا، دارالثقافة، 1983 .
- ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر و تاریخ المبتدأ و الخبر فى أيام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوى السلطان الأكبر، بیروت، دار ابن حزم، 2003 .
- بن منصور، عبدالوهاب، مقدمه جنى زهرة الآس جزنائى، رباط، المطبعة الملكية، 1999.
- جزنائى، على، جنى زهرة الآس فى بناء مدينة فاس، به كوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط، المطبعة الملكية، 1991.
- حجى، محمد، جولات تاريخية، بیروت، دارالغرب الاسلامى، 1995.
- كراچكوفسكى، ايگناتى يوليانويچ، تاریخ نوشته‌هاى جغرافيايى در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاينده، تهران، علمى و فرهنگى، 1379 .
- زياده، نقولا، افريقيات، دراسات فى المغرب العربى و السودان الغربى، لندن، رياض الرئيس للكتب و النشر، 1991.
- مونس، حسين، تاريخ المغرب و حضارته، بيروت، العصر الحديث للنشر و التوزيع، 1992.
- Shatzmiller, Maya, L’Historiographie Mérinide, Ibn Khaldun et Ses Contemporains, Leiden, Brill, 1982.